

کاوشی در تاریخ نحوین مکتب بغداد از ابتدای پیدایش تا نیمه قرن چهارم هجری

سید محمدحسین حاجی زاده قمصری^۱

چکیده

از مهم ترین مسائل هر علمی، آشنایی با تاریخ آن علم و عالمان آن است. در تاریخ علم نحو، اختلاف های دو مکتب نحوی بصره و کوفه همواره از جنجالی ترین مسائل این علم به شمار می رفته و پیوسته مورد توجه نحوین که پس از آنان آمده اند نیز قرار گرفته است. از اواخر قرن سوم هجری، عده ای از نحوین فارغ از هرگونه تعصبات مکتبی و با تلفیق آراء دو مکتب نحوی بصره و کوفه، نظرات جدیدی در این علم ارائه کردند که منجر به ایجاد مکتب نحوی جدیدی به نام مکتب بغداد شد. در این مقاله زندگی نامه مختصر نحوین مکتب بغداد از ابتدای پیدایش تا نیمه قرن چهارم هجری، آثار ایشان و به طور کلی تاریخ آنان، با بهره گیری از منابع قرن چهارم تا نهم هجری به روش کتابخانه ای توصیفی بررسی شده است. در نهایت برای مخاطب اثبات گردیده که آراء این نحوین در نظرات نحوین پس از خود تأثیرگذار بوده است.

واژگان کلیدی: نحوین مکتب بغداد، ابن کیسان، ابن سراج، مبرمان، ابن درستویه، زجاجی.

۱. طلبه پایه سوم مدرسه علمیه شهیدین قم.



۱. مقدمه

آشنایی با تاریخ علوم و عالمان آن همواره از مهم‌ترین مسائل هر علمی است. در تاریخ علم نحو، اختلاف‌های دو مکتب نحوی بصره و کوفه همواره از جنجالی‌ترین مسائل این علم به‌شمار می‌رفته و پیوسته مورد توجه نحویونی که پس از آنان آمده‌اند نیز قرار گرفته است. از اواخر قرن سوم هجری، عده‌ای از نحویون فارغ از هرگونه تعصبات مکتبی و با تلفیق آراء دو مکتب نحوی بصره و کوفه، نظرات جدیدی در این علم ارائه کردند که منجر به ایجاد مکتب نحوی جدیدی به نام مکتب بغداد شد. مقاله پیش‌رو درصدد است تا با بررسی زندگی‌نامه مختصر نحویون مکتب بغداد از ابتدای پیدایش تا نیمه قرن چهارم هجری به شناخت این نحویون دست یابد و از آنجا که احصاء تمام این نحویون ممکن نیست، به بررسی افراد شاخص در این زمینه اکتفاء خواهد شد.

مقالاتی پیرامون این موضوع نوشته شده است که یا عنوان جامع‌تری را در بر می‌گیرند، مانند: جایگاه ایرانیان در مکاتب نحوی عراق، (مهدی، ۱۳۹۴، ص ۱۹۰-۱۷۵) یا دامنه خاص‌تری را شامل می‌شوند، مانند: ابن‌درستویه یک چهره درخشان ایرانی در نحو عربی بغداد شهری که بپا می‌خیزد (بورگل، ۱۳۵۳، ص ۱۱۶-۱۰۲) و هیچ‌یک به‌صورت اختصاصی به نحویون مکتب بغداد از ابتدای پیدایش تا نیمه قرن چهارم هجری نپرداخته‌اند.

پرسش اصلی این مقاله عبارت است از: «تاریخ نحویون مکتب بغداد از ابتدای پیدایش تا نیمه قرن چهارم هجری چگونه بوده است؟» برای پاسخ به این سؤال نیازمند پاسخ‌گویی به پرسش‌های زیر هستیم:

۱. نحویون مکتب بغداد از ابتدای پیدایش تا نیمه قرن چهارم هجری چه کسانی بوده و چه

آثاری داشته‌اند؟

۲. رابطه میان نحویون مکتب بغداد از ابتدای پیدایش تا نیمه قرن چهارم هجری چگونه بوده

است؟

۳. دیدگاه علمای نحو به نحویون مکتب بغداد از ابتدای پیدایش تا نیمه قرن چهارم هجری و

آثارشان چگونه است؟

در این مقاله زندگی‌نامه مختصر نحویون مکتب بغداد از ابتدای پیدایش تا نیمه قرن چهارم



هجری، آثار ایشان و به طور کلی تاریخ آنان، با بهره‌گیری از منابع قرن چهارم تا نهم هجری به روش کتابخانه‌ای توصیفی بررسی خواهد شد.

۲. نحوین مکتب بغداد از ابتدای پیدایش تا نیمه قرن چهارم

در ادامه، پنج تن از نحوین مکتب بغداد (ابن کيسان، ابن سراج، مبرمان، ابن درستویه و زجاجی) مورد بررسی قرار خواهند گرفت؛ ابتدا ابن کيسان، ابن سراج، مبرمان و ابن درستویه که شاگرد مبرّد بوده‌اند بر اساس تاریخ وفات بررسی می‌شوند و سپس زجاجی که شاگرد مبرّد نبوده است.

۱.۱.۲. ابن کيسان

۱.۱.۲.۱. معرفی اجمالی

ابن کيسان، ابوالحسن محمد بن احمد بن کيسان از پیشوایان نحو (صفدی، ۲۰۰۰ م، ج ۲، ص ۲۴؛ ابن تغری، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۷۸) و یکی از کسانی بود که از اهل علم به‌شمار می‌رفت و از فهم بالایی برخوردار بود.^۱ او که از نحوین مکتب بصره و کوفه بود، سخنان هر دو مکتب نحوی را شنیده و هر دو را می‌شناخت،^۲ هر چند میل او به مکتب بصره بیشتر بود. (زبیدی، ۱۹۷۳ م، ص ۱۵۳؛ حموی، ۱۹۹۳ م، ج ۵، ص ۲۳۰۷؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۹)

۱.۱.۲.۲. اساتید

ابن کيسان شاگرد مبرّد^۳ و ثعلب^۴ بود.

۱. خطیب بغدادی، ۲۰۰۲ م، ج ۲، ص ۱۸۷؛ ابن أنباری، ۱۹۸۵ م، ص ۱۷۸؛ ابن جوزی، ۱۹۹۲ م، ج ۱۳، ص ۱۳۰؛ قفطی، ۱۹۸۲ م، ج ۳، ص ۵۷؛ صفدی، ۲۰۰۰ م، ج ۲، ص ۲۴.
۲. همان؛ زبیدی، ۱۹۷۳ م، ص ۱۵۳؛ ابن ندیم، ۱۹۹۷ م، ص ۱۰۹؛ حموی، ۱۹۹۳ م، ج ۵، ص ۲۳۰۷؛ ابن کثیر، ۱۹۸۸ م، ج ۱۱، ص ۱۱۷؛ فیروزآبادی، ۲۰۰۰ م، ص ۲۵۵؛ ابن تغری، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۷۸؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۸.
۳. سیرافی، ۱۹۶۶ م، ص ۸۱؛ زبیدی، ۱۹۷۳ م، ص ۱۵۳؛ خطیب بغدادی، ۲۰۰۲ م، ج ۲، ص ۱۸۷؛ ابن أنباری، ۱۹۸۵ م، ص ۱۷۸؛ ابن جوزی، ۱۹۹۲ م، ج ۱۳، ص ۱۳۰؛ حموی، ۱۹۹۳ م، ج ۵، ص ۲۳۰۷؛ قفطی، ۱۹۸۲ م، ج ۳، ص ۵۷؛ صفدی، ۲۰۰۰ م، ج ۲، ص ۲۴؛ ابن کثیر، ۱۹۸۸ م، ج ۱۱، ص ۱۱۷؛ ابن تغری، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۷۸؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۸.
۴. زبیدی، ۱۹۷۳ م، ص ۱۵۳؛ خطیب بغدادی، ۲۰۰۲ م، ج ۲، ص ۱۸۷؛ ابن أنباری، ۱۹۸۵ م، ص ۱۷۸؛ ابن جوزی، ۱۹۹۲ م، ج ۱۳، ص ۱۳۰؛ حموی، ۱۹۹۳ م، ج ۵، ص ۲۳۰۷؛ قفطی، ۱۹۸۲ م، ج ۳، ص ۵۷؛ صفدی، ۲۰۰۰ م، ج ۲، ص ۲۴؛ ابن کثیر، ۱۹۸۸ م، ج ۱۱، ص ۱۱۷؛ ابن تغری، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۷۸؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۸.



۳-۱-۲. شاگردان

از شاگردان او می‌توان به زجاجی اشاره کرد. (فیروزآبادی، ۲۰۰۰ م، ص ۱۸۰)

۴-۱-۲. نظرات درباره ابن کیسان

ابوبکر بن مجاهد می‌گوید: ابن کیسان از دو استادش یعنی مبرّد و ثعلب قوی‌تر است.^۱

سیرافی می‌گوید: پس از مبرّد ریاست در نحوه زجاج و ابن کیسان رسید، هرچند که زجاج تعصب بیشتری بر مکتب بصره داشت و ابن کیسان بین دو مکتب بصره و کوفه خلط می‌کرد. (سیرافی، ۱۹۶۶ م، ص ۸۱ و ۸۲)

میرمان می‌گوید: قصد داشتم که الکتاب سیویه را نزد ابن کیسان بخوانم، اما او امتناع کرده و گفت که به نزد اهلش برو و با این سخن به زجاج (زبیدی، ۱۹۷۳ م، ص ۱۵۳؛ قفطی، ۱۹۸۲ م، ج ۳، ص ۵۹) و ابن سراج (حموی، ۱۹۹۳ م، ج ۵، ص ۲۳۰۷) اشاره کرد.

گفته شده که قاضی اسماعیل قیاس‌های ابن کیسان در زبان عربی را رد می‌کرد. (قفطی، ۱۹۸۲ م، ج ۳، ص ۵۸)

ابوبکر بن أنباری بر ابن کیسان بسیار ایراد گرفته و می‌گوید: ابن کیسان بین دو مکتب بصره و کوفه خلط کرده و هیچ‌کدام را به درستی درک نکرده است و حتی زجاج از ابن کیسان برتر است.^۲

قفطی می‌گوید: ابن کیسان دو مکتب بصره و کوفه را درهم‌آمیخت و از هر یک، آن چیزی را که گمان می‌کرد صحیح است و با معیارهای قیاسی او منطبق است برمی‌گزید و تعصب بر مکاتب نحوی را ترک کرد. (همان)

ابوحیان توحیدی می‌گوید: مجلسی ندیدم که فایده‌اش بیشتر و در انواع علوم جامع‌تر از مجلس ابن کیسان باشد، به خصوص در بیان نکات با ارزش و جدید و دقیق. او در شروع به قرآن و

۱. زبیدی، ۱۹۷۳ م، ص ۱۵۳؛ خطیب بغدادی، ۲۰۰۲ م، ج ۲، ص ۱۸۷؛ ابن‌أنباری، ۱۹۸۵ م، ص ۱۷۸؛ ابن‌جوزی، ۱۹۹۲ م، ج ۱۳، ص ۱۳۰؛ حموی، ۱۹۹۳ م، ج ۵، ص ۲۳۰۷؛ قفطی، ۱۹۸۲ م، ج ۳، ص ۵۷؛ ذهبی، ۱۹۸۵ م، ج ۱، ص ۴۳۷؛ صفدی، ۲۰۰۰ م، ج ۲، ص ۲۴؛ یافعی، ۱۹۹۷ م، ج ۲، ص ۱۷۶؛ ابن‌کثیر، ۱۹۸۸ م، ج ۱۱، ص ۱۱۷؛ فیروزآبادی، ۲۰۰۰ م، ص ۲۵۵؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۸.

۲. زبیدی، ۱۹۷۳ م، ص ۱۵۳؛ حموی، ۱۹۹۳ م، ج ۵، ص ۲۳۰۷؛ قفطی، ۱۹۸۲ م، ج ۳، ص ۵۹؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۹.



قرائات و سپس به احادیث پیامبر ﷺ می‌پرداخت و هنگامی که حدیث ناآشنا یا لفظ نادری خوانده می‌شد، آن را مشخص می‌کرد و درباره‌اش سخن می‌گفت و از شاگردانش درباره معنای آن سؤال می‌کرد. او در ابتدا و انتهای روز کتاب مجالسات ثعلب را درس می‌داد و در مقابل مسجد او حدود صد مرکب جمع می‌شد که متعلق به سران و نویسندگان و ثروتمندان و بزرگان بود که برای شرکت در مجلس او می‌آمدند؛ با این حال توجه او به فقیران مانند ثروتمندان بود. (حموی، ۱۹۹۳، ج ۵، ص ۲۳۰۸؛ صفدی، ۲۰۰۰، ج ۲، ص ۲۵؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۹)

صفدی می‌گوید: ابن کیسان کتب فراوان و نظرات مشهوری در تفاسیر و معانی آیات دارد و بسیار مورد اعتماد است. (صفدی، ۲۰۰۰، ج ۲، ص ۲۴)

۵.۱.۲. آثار

از کتب او می‌توان به غریب الحديث، البرهان، الحقائق، المختار، الوقف والإبتداء، المذهب فی النحو، القرائات، الهجاء، التصاریف، المقصور والممدود، الشاذنی فی النحو، المذکر و المؤنث، مختصر النحو، معانی القرآن و المسائل علی مذهب النحویین مما اختلف فیهِ البصريون و الکوفیون اشاره کرد.^۱

۶.۱.۲. وفات

سرانجام ابن کیسان در سال دویست و نود و نه^۲ یا سیصد و بیست (حموی، ۱۹۹۳، ج ۵، ص ۲۳۰۹؛ صفدی، ۲۰۰۰، ج ۲، ص ۲۵؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۹) هجری قمری درگذشت.

تأسیس: ۶۳ (۴۱) ۱۳ هـ. ش

۱. ابن ندیم، ۱۹۹۷، ص ۱۰۹؛ حموی، ۱۹۹۳، ج ۵، ص ۲۳۰۸؛ قفطی، ۱۹۸۲، ج ۳، ص ۵۸ و ۵۹؛ صفدی، ۲۰۰۰، ج ۲، ص ۲۵.

۲. زبیدی، ۱۹۷۳، ص ۱۵۳؛ خطیب بغدادی، ۲۰۰۲، ج ۲، ص ۱۸۷؛ ابن أنباری، ۱۹۸۵، ص ۱۷۸؛ ابن جوزی، ۱۹۹۲، ج ۱۳، ص ۳۰؛ حموی، ۱۹۹۳، ج ۵، ص ۲۳۰۶؛ قفطی، ۱۹۸۲، ج ۳، ص ۵۹؛ ذهبی، ۲۰۰۶، ج ۱۲، ص ۳۳۷؛ ذهبی، ۱۹۸۵، ج ۱، ص ۴۳۷؛ صفدی، ۲۰۰۰، ج ۲، ص ۲۴؛ یافعی، ۱۹۹۷، ج ۲، ص ۱۷۶؛ ابن کثیر، ۱۹۸۸، ج ۱۱، ص ۱۱۷؛ فیروزآبادی، ۲۰۰۰، ص ۲۵۵؛ ابن تغری، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۷۸؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۹.



۲-۲. ابن سراج

۱-۲-۲. معرفی اجمالی

ابوبکر محمد بن سریّ سراج از پیشوایان نحو^۱، شخصی مورد اعتماد^۲ و یکی از دانشمندان یادشده در ادبیات عرب بود.^۳

۲-۲-۲. اساتید

او شاگرد مبرّد^۴ بود.

۳-۲-۲. شاگردان

زجاجی^۵، سیرافی^۶، رمّانی^۷ و ابوعلی فارسی (فیروزآبادی، ۲۰۰۰ م، ص ۲۶۵) از شاگردان او

۱. ابن‌انباری، ۱۹۸۵ م، ص ۱۸۶؛ حموی، ۱۹۹۳ م، ج ۶، ص ۲۵۳۵؛ ابن‌خلکان، ۱۹۷۱ م، ج ۴، ص ۳۳۹؛ ذهبی، ۲۰۰۶ م، ج ۱۱، ص ۲۹۶؛ صفدی، ۲۰۰۰ م، ج ۳، ص ۷۳؛ یافعی، ۱۹۹۷ م، ج ۲، ص ۲۰۲.

۲. خطیب بغدادی، ۲۰۰۲ م، ج ۳، ص ۲۶۳؛ سماعی، ۱۹۶۲ م، ج ۷، ص ۱۱۴؛ ابن‌انباری، ۱۹۸۵ م، ص ۱۸۶؛ ابن‌جوزی، ۱۹۹۲ م، ج ۱۳، ص ۲۷۷؛ قفطی، ۱۹۸۲ م، ج ۳، ص ۱۴۵؛ ذهبی، ۲۰۰۶ م، ج ۱۱، ص ۲۹۶؛ صفدی، ۲۰۰۰ م، ج ۳، ص ۷۳.

۳. زبیدی، ۱۹۷۳ م، ص ۱۱۲؛ خطیب بغدادی، ۲۰۰۲ م، ج ۳، ص ۲۶۳؛ سماعی، ۱۹۶۲ م، ج ۷، ص ۱۱۴؛ ابن‌انباری، ۱۹۸۵ م، ص ۱۸۶؛ ابن‌جوزی، ۱۹۹۲ م، ج ۱۳، ص ۲۷۷؛ حموی، ۱۹۹۳ م، ج ۶، ص ۲۵۳۵؛ قفطی، ۱۹۸۲ م، ج ۳، ص ۱۴۵؛ ابن‌خلکان، ۱۹۷۱ م، ج ۴، ص ۳۳۹؛ صفدی، ۲۰۰۰ م، ج ۳، ص ۷۳؛ یافعی، ۱۹۹۷ م، ج ۲، ص ۲۰۲؛ فیروزآبادی، ۲۰۰۰ م، ص ۲۶۵.

۴. ابن‌ندیم، ۱۹۹۷ م، ص ۸۶؛ خطیب بغدادی، ۲۰۰۲ م، ج ۳، ص ۲۶۳؛ سماعی، ۱۹۶۲ م، ج ۷، ص ۱۱۴؛ ابن‌انباری، ۱۹۸۵ م، ص ۱۸۶؛ ابن‌جوزی، ۱۹۹۲ م، ج ۱۳، ص ۲۷۷؛ حموی، ۱۹۹۳ م، ج ۶، ص ۲۵۳۵؛ قفطی، ۱۹۸۲ م، ج ۳، ص ۱۴۵؛ ابن‌خلکان، ۱۹۷۱ م، ج ۴، ص ۳۳۹؛ ذهبی، ۲۰۰۶ م، ج ۱۱، ص ۲۹۶؛ ذهبی، ۱۹۸۵ م، ج ۱، ص ۴۷۲؛ صفدی، ۲۰۰۰ م، ج ۳، ص ۷۳؛ یافعی، ۱۹۹۷ م، ج ۲، ص ۲۰۲؛ فیروزآبادی، ۲۰۰۰ م، ص ۲۶۵؛ ابن‌تغری، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۲۲؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۰۹.

۵. خطیب بغدادی، ۲۰۰۲ م، ج ۳، ص ۲۶۳؛ سماعی، ۱۹۶۲ م، ج ۷، ص ۱۱۴؛ قفطی، ۱۹۸۲ م، ج ۳، ص ۱۴۵؛ ذهبی، ۲۰۰۶ م، ج ۱۱، ص ۲۹۶؛ صفدی، ۲۰۰۰ م، ج ۳، ص ۷۳؛ فیروزآبادی، ۲۰۰۰ م، ص ۲۶۵.

۶. همان؛ سیرافی، ۱۹۶۶ م، ص ۸۲؛ ابن‌جوزی، ۱۹۹۲ م، ج ۱۳، ص ۲۷۷؛ ابن‌خلکان، ۱۹۷۱ م، ج ۴، ص ۳۳۹؛ یافعی، ۱۹۹۷ م، ج ۲، ص ۲۰۲.

۷. خطیب بغدادی، ۲۰۰۲ م، ج ۳، ص ۲۶۳؛ سماعی، ۱۹۶۲ م، ج ۷، ص ۱۱۴؛ ابن‌جوزی، ۱۹۹۲ م، ج ۱۳، ص ۲۷۷؛ قفطی، ۱۹۸۲ م، ج ۳، ص ۱۴۵؛ ابن‌خلکان، ۱۹۷۱ م، ج ۴، ص ۳۳۹؛ ذهبی، ۲۰۰۶ م، ج ۱۱، ص ۲۹۶؛ صفدی، ۲۰۰۰ م، ج ۳، ص ۷۳؛ یافعی، ۱۹۹۷ م، ج ۲، ص ۲۰۲.



بودند. (ابن‌أنباری، ۱۹۸۵ م، ص ۱۸۶؛ حموی، ۱۹۹۳ م، ج ۶، ص ۲۵۳۵؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۱۰)

۴-۲-۲. نظرات درباره ابن‌سراج

ابن‌سراج جوان‌ترین شاگرد مبرّد بود و در ذکاوت می‌درخشید. مبرّد به او توجه داشت و او را به خود نزدیک کرده (یغموری، بی‌تا، ص ۱۲۵) و مسائل نحوی را برای او شرح می‌کرد و دائماً با او بود. بعد از درگذشت مبرّد، روزی ابن‌سراج را نزد زجاج دیدم. شخصی درباره مسئله‌ای نحوی از زجاج سوال کرد. زجاج از ابن‌سراج خواست تا او جواب دهد؛ اما ابن‌سراج در جواب اشتباه کرد. زجاج عصبانی شد و گفت: به خدا سوگند که اگر در خانه‌ام بودی تو را می‌زدم، اما اکنون جلسه تحمّل این را نخواهد داشت. ما تو را در ذکاوت به ابوالحسن بن رجاء تشبیه می‌کردیم و تو در مثل چنین مسئله ساده‌ای اشتباه می‌کنی. ابن‌سراج می‌گوید: قطعاً تو با این حرف مرا زدی و تنبیه کردی (یعنی متنبّه ساختی)، من مدت‌هاست که آنچه از الکتاب سیبویه فرا گرفته بودم (یعنی علم نحو) را رها کرده‌ام و به علم منطق و علم موسیقی پرداختم، ولی اکنون بار دیگر به علم نحو می‌پردازم. پس از این قضیه، ابن‌سراج بار دیگر به علم نحو پرداخت.^۱ او به الکتاب سیبویه بازگشت و در نکات آن دقت نمود و با اتّکاء به نظرات أخفش و کوفیون با اصول بصریون در مسائل بسیاری مخالفت کرد. (حموی، ۱۹۹۳ م، ج ۶، ص ۲۵۳۵؛ قفطی، ۱۹۸۲ م، ج ۳، ص ۱۴۹؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۰۹)

گفته شده است که نحو دیوانه بود تا زمانی که ابن‌سراج با اصول خود به آن عقل بخشید. (حموی، ۱۹۹۳ م، ج ۶، ص ۲۵۳۵؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۰۹)

ابن‌أنباری می‌گوید: پس از مبرّد ریاست در نحو به ابن‌سراج رسید. (ابن‌أنباری، ۱۹۸۵ م، ص ۱۸۶؛ حموی، ۱۹۹۳ م، ج ۶، ص ۲۵۳۵) اما سیرافی می‌گوید: پس از مبرّد ریاست در نحو به زجاج و ابن‌کیسان رسید و بعد از آن دو ابن‌سراج و مبرمان بودند که از آن‌ها بیشتر نحو را فرا گرفتیم و الکتاب سیبویه را نزد آنان خواندم. (سیرافی، ۱۹۶۶ م، ص ۸۲؛ ابن‌ندیم، ۱۹۹۷ م، ص ۸۶؛ قفطی، ۱۹۸۲ م، ج ۳، ص ۱۴۹)

۱. ابن‌ندیم، ۱۹۹۷ م، ص ۸۶؛ حموی، ۱۹۹۳ م، ج ۶، ص ۲۵۳۵؛ قفطی، ۱۹۸۲ م، ج ۳، ص ۱۴۸ و ۱۴۹؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۰۹.



۵.۲.۲. آثار

مشهورترین کتاب او الأصول فی النحو می‌باشد.^۱ رمانی می‌گوید: یک‌بار در حضور ابن سراج، صحبت از کتاب الأصول فی النحو او شد. شخصی گفت که این کتاب از المقتضب میرد برتر است. ابن سراج در ردّ او گفت که چنین حرفی را نزن.^۲

از دیگر کتب او می‌توان به شرح سیبویه^۳، الشعر و الشعراء^۴، الرياح و الهواء و النار^۵، الموجز صغیر^۶، الإشتقاق^۷، احتجاج القراء^۸، الجمل^۹، جمل الأصول، (ابن ندیم، ۱۹۹۷ م، ص ۸۶؛ قفطی، ۱۹۸۲ م، ج ۳، ص ۱۴۹؛ ابن خلکان، ۱۹۷۱ م، ج ۴، ص ۳۳۹) المواصلات فی الأخبار والمذاکرات، (همان) الخط و الهجاء اشاره کرد. (حموی، ۱۹۹۳ م، ج ۶، ص ۲۵۳۶؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۱۰)

۱. زبیدی، ۱۹۷۳ م، ص ۱۱۲؛ ابن ندیم، ۱۹۹۷ م، ص ۸۶؛ ابن أنباری، ۱۹۸۵ م، ص ۱۸۶؛ قفطی، ۱۹۸۲ م، ج ۳، ص ۱۴۹؛ ابن خلکان، ۱۹۷۱ م، ج ۴، ص ۳۳۹؛ ذهبی، ۲۰۰۶ م، ج ۱۱، ص ۲۹۶؛ ذهبی، ۱۹۸۵ م، ج ۱، ص ۴۷۲؛ صفدی، ۲۰۰۰ م، ج ۳، ص ۷۳؛ یافعی، ۱۹۹۷ م، ج ۲، ص ۲۰۲؛ ابن کثیر، ۱۹۸۸ م، ج ۱۱، ص ۱۵۷؛ فیروزآبادی، ۲۰۰۰ م، ص ۲۶۵.

۲. ابن ندیم، ۱۹۹۷ م، ص ۸۶ و ۸۷؛ خطیب بغدادی، ۲۰۰۲ م، ج ۳، ص ۲۶۳؛ سماعی، ۱۹۶۲ م، ج ۷، ص ۱۱۴؛ ابن جوزی، ۱۹۹۲ م، ج ۱۳، ص ۲۷۷ و ۲۷۸؛ حموی، ۱۹۹۳ م، ج ۶، ص ۲۵۳۶؛ قفطی، ۱۹۸۲ م، ج ۳، ص ۱۴۵ و ۱۴۹؛ صفدی، ۲۰۰۰ م، ج ۳، ص ۷۳؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۱۰.

۳. ابن ندیم، ۱۹۹۷ م، ص ۸۶؛ قفطی، ۱۹۸۲ م، ج ۳، ص ۱۴۹؛ ابن خلکان، ۱۹۷۱ م، ج ۴، ص ۳۳۹؛ ذهبی، ۲۰۰۶ م، ج ۱۱، ص ۲۹۶؛ ذهبی، ۱۹۸۵ م، ج ۱، ص ۴۷۲؛ صفدی، ۲۰۰۰ م، ج ۳، ص ۷۳؛ یافعی، ۱۹۹۷ م، ج ۲، ص ۲۰۲.

۴. ابن ندیم، ۱۹۹۷ م، ص ۸۶؛ قفطی، ۱۹۸۲ م، ج ۳، ص ۱۴۹؛ ابن خلکان، ۱۹۷۱ م، ج ۴، ص ۳۳۹؛ ذهبی، ۲۰۰۶ م، ج ۱۱، ص ۲۹۶؛ صفدی، ۲۰۰۰ م، ج ۳، ص ۷۳؛ یافعی، ۱۹۹۷ م، ج ۲، ص ۲۰۲.

۵. همان.

۶. ابن ندیم، ۱۹۹۷ م، ص ۸۶؛ قفطی، ۱۹۸۲ م، ج ۳، ص ۱۴۹؛ ابن خلکان، ۱۹۷۱ م، ج ۴، ص ۳۳۹؛ ذهبی، ۲۰۰۶ م، ج ۱۱، ص ۲۹۶؛ صفدی، ۲۰۰۰ م، ج ۳، ص ۷۳.

۷. همان.

۸. همان.

۹. همان.



۶-۲-۲. وفات

سرانجام ابن سراج در سال سیصد و شانزده^۱ یا سیصد و پانزده (ابن کثیر، ۱۹۸۸ م، ج ۱۱، ص ۱۵۷) هجری قمری درگذشت.

۳-۲. مبرمان

۱-۳-۲. معرفی اجمالی

ابوبکر محمد بن علی بن اسماعیل عسکری معروف به مبرمان در راه رامهرمز متولد شد (سیوطی، بی تا، ج ۱، ص ۱۷۵) و اهل عسکر بود.^۲ او از پیشوایان نحو بود. (حموی، ۱۹۹۳ م، ج ۶، ص ۲۵۷۳؛ فیروزآبادی، ۲۰۰۰ م، ص ۲۷۷)

۲-۳-۲. اساتید

مبرمان شاگرد مبرّد بود^۳ و مبرّد به دلیل ملازمت بسیارش با او و همچنین سؤالات فراوانش، به او لقب مبرمان داد. (قفطی، ۱۹۸۲ م، ج ۳، ص ۱۸۹؛ صفدی، ۲۰۰۰ م، ج ۴، ص ۸۱) از دیگر اساتید مبرمان می توان به زجاج اشاره کرد. (حموی، ۱۹۹۳ م، ج ۶، ص ۲۵۷۳؛ سیوطی، بی تا، ج ۱، ص ۱۷۵)

۳-۳-۲. شاگردان

ابوسعید سیرافی (سیرافی، ۱۹۶۶ م، ص ۸۲) و ابوعلی فارسی از شاگردان او بودند.^۴

۱. خطیب بغدادی، ۲۰۰۲ م، ج ۳، ص ۲۶۳؛ سمعانی، ۱۹۶۲ م، ج ۷، ص ۱۱۴؛ ابن انباری، ۱۹۸۵ م، ص ۱۸۷؛ ابن جوزی، ۱۹۹۲ م، ج ۱۳، ص ۲۷۷؛ حموی، ۱۹۹۳ م، ج ۶، ص ۲۵۳۶؛ ابن خلکان، ۱۹۷۱ م، ج ۴، ص ۳۴۰؛ ذهبی، ۲۰۰۶ م، ج ۱۱، ص ۲۹۶؛ ذهبی، ۱۹۸۵ م، ج ۱، ص ۴۷۲؛ صفدی، ۲۰۰۰ م، ج ۳، ص ۷۳؛ یافعی، ۱۹۹۷ م، ج ۲، ص ۲۰۲؛ فیروزآبادی، ۲۰۰۰ م، ص ۲۶۵؛ ابن تغری، بی تا، ج ۳، ص ۲۲۲؛ سیوطی، بی تا، ج ۱، ص ۱۱۰.
۲. زبیدی، ۱۹۷۳ م، ص ۱۱۴؛ ابن ندیم، ۱۹۹۷ م، ص ۸۴؛ حموی، ۱۹۹۳ م، ج ۶، ص ۲۵۷۲؛ قفطی، ۱۹۸۲ م، ج ۳، ص ۱۸۹؛ ذهبی، ۱۹۸۵ م، ج ۲، ص ۲۸؛ صفدی، ۲۰۰۰ م، ج ۴، ص ۸۱؛ یافعی، ۱۹۹۷ م، ج ۲، ص ۲۱۸؛ فیروزآبادی، ۲۰۰۰ م، ص ۲۷۷؛ سیوطی، بی تا، ج ۱، ص ۱۷۵.
۳. حموی، ۱۹۹۳ م، ج ۶، ص ۲۵۷۳؛ قفطی، ۱۹۸۲ م، ج ۳، ص ۱۸۹؛ ذهبی، ۱۹۸۵ م، ج ۲، ص ۲۸؛ یافعی، ۱۹۹۷ م، ج ۲، ص ۲۱۸؛ سیوطی، بی تا، ج ۱، ص ۱۷۵.
۴. حموی، ۱۹۹۳ م، ج ۶، ص ۲۵۷۳؛ قفطی، ۱۹۸۲ م، ج ۳، ص ۱۸۹؛ صفدی، ۲۰۰۰ م، ج ۴، ص ۸۱؛ فیروزآبادی، ۲۰۰۰ م، ص ۲۷۷؛ سیوطی، بی تا، ج ۱، ص ۱۷۵.



۴-۳-۲. نظرات درباره مبرمان

فرزند مبرّد می‌گوید: در میان شاگردان پدرم دو نفر بودند که یکی پست شد و دیگری بالا رفت. گفته شد: آن دو چه کسانی هستند؟ جواب داد: مبرمان، نزد پدرم نحو خواند و الکتاب سیبویه را از او فرا گرفت و زجاج گفته است که پست شد؛ و دیگری کلابزی که او نیز نزد پدرم نحو خواند و مازنی گفته است که بالا رفت. (زبیدی، ۱۹۷۳ م، ص ۱۱۴؛ حموی، ۱۹۹۳ م، ج ۶، ص ۲۵۷۳؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۷۶)

مبرمان در تعلیم دادن بخیل بود و الکتاب سیبویه را تعلیم نمی‌داد مگر با اجرت صد دینار. (همان) سیرافی می‌گوید: پس از مبرّد ریاست در نحوه زجاج و ابن کیسان رسید و بعد از آن دو ابن سراج و مبرمان بودند که از آنها بیشتر نحو را فرا گرفتیم و الکتاب سیبویه را نزد آنان خواندم. (سیرافی، ۱۹۶۶ م، ص ۸۲)

۵-۳-۲. آثار

از کتب او می‌توان به العیون^۱، النحو المجموع علی العلل^۲، صفة شکر المنعم^۳، شرح کتاب سیبویه (که آن را تمام نکرد)^۴، شرح شواهد کتاب سیبویه^۵، المجاری لطیف^۶، شرح کتاب أخفش^۷ و التلقین فی النحو^۸ اشاره کرد.

۱. زبیدی، ۱۹۷۳ م، ص ۱۱۴؛ حموی، ۱۹۹۳ م، ج ۶، ص ۲۵۷۴؛ فیروزآبادی، ۲۰۰۰ م، ص ۲۷۷؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۷۷؛ ابن ندیم، ۱۹۹۷ م، ص ۸۴؛ قفطی، ۱۹۸۲ م، ج ۳، ص ۱۹۰.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان.

۵. ابن ندیم، ۱۹۹۷ م، ص ۸۴؛ حموی، ۱۹۹۳ م، ج ۶، ص ۲۵۷۴؛ قفطی، ۱۹۸۲ م، ج ۳، ص ۱۹۰؛ صفدی، ۲۰۰۰ م، ج ۴، ص ۸۱؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۷۷.

۶. همان.

۷. زبیدی، ۱۹۷۳ م، ص ۱۱۴؛ حموی، ۱۹۹۳ م، ج ۶، ص ۲۵۷۴؛ فیروزآبادی، ۲۰۰۰ م، ص ۲۷۷؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۷۷.

۸. حموی، ۱۹۹۳ م، ج ۶، ص ۲۵۷۴؛ صفدی، ۲۰۰۰ م، ج ۴، ص ۸۱؛ فیروزآبادی، ۲۰۰۰ م، ص ۲۷۷؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۷۷.



۶-۳-۲. وفات

سرانجام مبرمان در سال سیصد و چهل و پنج (حموی، ۱۹۹۳ م، ج ۶، ص ۲۵۷۴؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۷۷) یا سیصد و بیست و شش (قفطی، ۱۹۸۲ م، ج ۳، ص ۱۸۹؛ صفدی، ۲۰۰۰ م، ج ۴، ص ۸۱؛ فیروزآبادی، ۲۰۰۰ م، ص ۲۷۷) و یا سیصد و بیست و هفت (ذهبی، ۱۹۸۵ م، ج ۲، ص ۲۸؛ یافعی، ۱۹۹۷ م، ج ۲، ص ۲۱۸) هجری قمری در اهواز (قفطی، ۱۹۸۲ م، ج ۳، ص ۱۸۹) درگذشت.

۴-۲. ابن درستویه

۱-۴-۲. معرفی اجمالی

ابومحمد عبدالله بن جعفر بن درستویه بن مرزبان فارسی متولد سال دویست و پنجاه و هشت^۱ و اهل فسا بود^۲ و تا هنگام وفاتش در بغداد ساکن بود.^۳ او از پیشوایان نحو (ذهبی، ۲۰۰۶ م، ج ۱۲، ص ۱۰۰) و یکی از نحوین مشهور و ادیبان یادشده است که دارای منزلتی والا و علمی فراوان می‌باشد.^۴ برخی او را از طرفداران سرسخت مکتب بصره دانسته‌اند.^۵ ابن درستویه شخصی تیزبین (زبیدی، ۱۹۷۳ م، ص ۱۱۶؛ قفطی، ۱۹۸۲ م، ج ۲، ص ۱۱۳) و مورد اعتماد بود (ذهبی، ۲۰۰۶ م، ج ۱۲، ص ۱۰۰) و هیچ‌کس نتوانسته است که با دلیل او را تضعیف کند. (ذهبی، ۱۹۸۵ م، ج ۲، ص ۷۷)

۱. خطیب بغدادی، ۲۰۰۲ م، ج ۱۱، ص ۸۵؛ ابن‌انباری، ۱۹۸۵ م، ص ۲۱۴؛ ابن‌جوزی، ۱۹۹۲ م، ج ۱۴، ص ۱۱۵؛ قفطی، ۱۹۸۲ م، ج ۲، ص ۱۱۴؛ ابن‌خلکان، ۱۹۰۰ م، ج ۳، ص ۴۴؛ ذهبی، ۲۰۰۶ م، ج ۱۲، ص ۱۰۰؛ صفدی، ۲۰۰۰ م، ج ۱۷، ص ۵۷؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۶.

۲. زبیدی، ۱۹۷۳ م، ص ۱۱۶؛ خطیب بغدادی، ۲۰۰۲ م، ج ۱۱، ص ۸۵؛ ابن‌انباری، ۱۹۸۵ م، ص ۲۱۳؛ حموی، ۱۹۹۳ م، ج ۴، ص ۱۵۱۱؛ قفطی، ۱۹۸۲ م، ج ۲، ص ۱۱۳؛ ابن‌خلکان، ۱۹۰۰ م، ج ۳، ص ۴۴؛ فیروزآبادی، ۲۰۰۰ م، ص ۱۶۷.

۳. خطیب بغدادی، ۲۰۰۲ م، ج ۱۱، ص ۸۵؛ ابن‌انباری، ۱۹۸۵ م، ص ۲۱۳؛ ابن‌جوزی، ۱۹۹۲ م، ج ۱۴، ص ۱۱۵؛ قفطی، ۱۹۸۲ م، ج ۲، ص ۱۱۳؛ ذهبی، ۲۰۰۶ م، ج ۱۲، ص ۱۰۰؛ ابن‌کثیر، ۱۹۸۸ م، ج ۱۱، ص ۲۳۳.

۴. ابن‌انباری، ۱۹۸۵ م، ص ۲۱۳؛ حموی، ۱۹۹۳ م، ج ۴، ص ۱۵۱۱؛ قفطی، ۱۹۸۲ م، ج ۲، ص ۱۱۳؛ صفدی، ۲۰۰۰ م، ج ۱۷، ص ۵۷؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۶.

۵. قفطی، ۱۹۸۲ م، ج ۲، ص ۱۱۳؛ ذهبی، ۲۰۰۶ م، ج ۱۲، ص ۱۰۰؛ فیروزآبادی، ۲۰۰۰ م، ص ۱۶۸؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۶.



۲-۴-۲. اساتید

ابن‌درستویه شاگرد مبرّد بود^۱ و الکتاب سیبویه را نزد او خواند و در آن مهارت یافت. (زبیدی، ۱۹۷۳، ص ۱۱۶؛ قفطی، ۱۹۸۲، ج ۲، ص ۱۱۳) از دیگر اساتید او می‌توان به ثعلب، (ذهبی، ۲۰۰۶، ج ۱۲، ص ۱۰۰) ابن‌قتیبه^۲، یعقوب بن سفیان فسوی^۳، عباس بن محمد دوری^۴، یحیی بن ابی‌طالب، (همان؛ خطیب بغدادی، ۲۰۰۲، ج ۱۱، ص ۸۵؛ عسقلانی، ۱۹۷۱، ج ۳، ص ۲۶۸) محمد بن حسین حنینی، (خطیب بغدادی، ۲۰۰۲، ج ۱۱، ص ۸۵؛ ذهبی، ۲۰۰۶، ج ۱۲، ص ۱۰۰) عبدالرحمن بن محمد بن منصور حارثی، (همان) احمد بن حباب حمیری، (خطیب بغدادی، ۲۰۰۲، ج ۱۱، ص ۸۵) قاسم بن مغیره جوهری، (همان) ابوقلابه رقاشی (همان) و عبدالکریم بن هیشم عاقولی (همان) اشاره کرد.

۳-۴-۲. شاگردان

دارقطنی^۵، ابوعبیدالله بن منده، (ابن‌انباری، ۱۹۸۵، ص ۲۱۴؛ ابن‌جوزی، ۱۹۹۲، ج ۱۴، ص ۱۱۵؛ ذهبی، ۲۰۰۶، ج ۱۲، ص ۱۰۰) ابن‌شاهین، (ابن‌جوزی، ۱۹۹۲، ج ۱۴، ص ۱۱۵؛ ذهبی، ۲۰۰۶، ج ۱۲، ص ۱۰۰؛ عسقلانی، ۱۹۷۱، ج ۳، ص ۲۶۸) ابوعلی بن شاذان، (همان) ابوعبیدالله مرزبانی، (ابن‌انباری، ۱۹۸۵، ص ۲۱۳؛ عسقلانی، ۱۹۷۱، ج ۳، ص ۲۶۸) ابن‌رزقویه، (ابن‌جوزی، ۱۹۹۲، ج ۱۴،

۱. همان؛ زبیدی، ۱۹۷۳، ص ۱۱۶؛ ابن‌انباری، ۱۹۸۵، ص ۲۱۳؛ ابن‌جوزی، ۱۹۹۲، ج ۱۴، ص ۱۱۵؛ حموی، ۱۹۹۳، ج ۴، ص ۱۵۱۱؛ ابن‌خلکان، ۱۹۰۰، ج ۳، ص ۴۴؛ صفدی، ۲۰۰۰، ج ۱۷، ص ۵۷؛ ابن‌کثیر، ۱۹۸۸، ج ۱۱، ص ۲۳۳؛ عسقلانی، ۱۹۷۱، ج ۳، ص ۲۶۸.

۲. خطیب بغدادی، ۲۰۰۲، ج ۱۱، ص ۸۵؛ ابن‌انباری، ۱۹۸۵، ص ۲۱۳؛ ابن‌جوزی، ۱۹۹۲، ج ۱۴، ص ۱۱۵؛ حموی، ۱۹۹۳، ج ۴، ص ۱۵۱۱؛ قفطی، ۱۹۸۲، ج ۲، ص ۱۱۳؛ ابن‌خلکان، ۱۹۰۰، ج ۳، ص ۴۴؛ ذهبی، ۲۰۰۶، ج ۱۲، ص ۱۰۰؛ صفدی، ۲۰۰۰، ج ۱۷، ص ۵۷؛ ابن‌کثیر، ۱۹۸۸، ج ۱۱، ص ۲۳۳؛ عسقلانی، ۱۹۷۱، ج ۳، ص ۲۶۸؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۶.

۳. خطیب بغدادی، ۲۰۰۲، ج ۱۱، ص ۸۵؛ ذهبی، ۲۰۰۶، ج ۱۲، ص ۱۰۰؛ ذهبی، ۱۹۸۵، ج ۲، ص ۷۶؛ ذهبی، ۱۹۶۳، ج ۲، ص ۴۰۰؛ عسقلانی، ۱۹۷۱، ج ۳، ص ۲۶۷ و ۲۶۸.

۴. خطیب بغدادی، ۲۰۰۲، ج ۱۱، ص ۸۵؛ ابن‌جوزی، ۱۹۹۲، ج ۱۴، ص ۱۱۵؛ ذهبی، ۲۰۰۶، ج ۱۲، ص ۱۰۰؛ ذهبی، ۱۹۸۵، ج ۲، ص ۷۶؛ ابن‌کثیر، ۱۹۸۸، ج ۱۱، ص ۲۳۳؛ عسقلانی، ۱۹۷۱، ج ۳، ص ۲۶۸.

۵. ابن‌جوزی، ۱۹۹۲، ج ۱۴، ص ۱۱۵؛ ابن‌خلکان، ۱۹۰۰، ج ۳، ص ۴۴؛ ذهبی، ۲۰۰۶، ج ۱۲، ص ۱۰۰؛ صفدی، ۲۰۰۰، ج ۱۷، ص ۵۷؛ ابن‌کثیر، ۱۹۸۸، ج ۱۱، ص ۲۳۳؛ عسقلانی، ۱۹۷۱، ج ۳، ص ۲۶۸؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۶.



ص ۱۱۵؛ ذهبی، ۲۰۰۶ م، ج ۱۲، ص ۱۰۰) محمد بن مظفر، (ابن جوزی، ۱۹۹۲ م، ج ۱۴، ص ۱۱۵؛ عسقلانی، ۱۹۷۱ م، ج ۳، ص ۲۶۸) ابوالحسین بن فضل (ذهبی، ۲۰۰۶ م، ج ۱۲، ص ۱۰۰) و منصور بن ملاعب صیرفی از شاگردان او بودند. (خطیب بغدادی، ۲۰۰۲ م، ج ۱۱، ص ۸۵)

۴-۴-۲. نظرات درباره ابن درستویه

خطیب بغدادی می‌گوید: از هبة الله بن حسن طبری شنیدم که درباره ابن درستویه و ضعیف بودنش می‌گوید که به من این‌گونه رسیده است که به ابن درستویه گفته شد که برای ما حدیثی از عباس دوری بگو و ما به تو درهمی عطا می‌کنیم و او نیز چنین کرد درحالی‌که از عباس چیزی نشنیده بود. سپس خطیب در نقد این قضیه می‌گوید: این حکایت باطل است؛ زیرا شأن ابن درستویه بالاتر از این بود که به خاطر پول بسیار دروغ بگوید، پس چطور برای مقدار بی‌ارزشی پول دروغ بگوید؟ همچنین ابن رزقویه به وسیله کتاب امالی‌اش که آن را در مسجد جامع شهر از سخنان ابن درستویه املاء کرده بود برای ما حدیث می‌گفت و در آن کتاب از عباس دوری احادیث زیادی نقل شده بود.^۱

سپس خطیب می‌گوید: از برقانی درباره ابن درستویه سوال کردم و او جواب داد که تضعیفش کرده‌اند؛ زیرا زمانی که کتاب التاریخ را از نویسنده آن یعقوب بن سفیان به صورت مستقیم نقل کرد، او را تکذیب کردند و گفتند که یعقوب این کتاب را مدت‌ها پیش تدریس کرده است، پس تو چگونه از او مستقیماً نقل قول می‌کنی؟ سپس خطیب در نقد این قضیه می‌گوید: جعفر بن درستویه (پدر ابن درستویه) که از محدثین بزرگ و فهمیده بود از علی بن مدینی (که در طبقه بالاتری نسبت به یعقوب بن سفیان بود) نقل قول کرده است. پس نمی‌توان انکار کرد که ابن درستویه زودتر از پدرش نزد یعقوب بن سفیان رفته باشد. علاوه بر اینکه ابوالقاسم ازهری به من گفته است که هنگامی که ارثیه ابن‌آبوسی فروخته شد، اصل کتاب التاریخ یعقوب بن سفیان را که ابن درستویه نقل کرده است بین آن دیدم و نقل ابن درستویه در آن را صحیح یافتم.^۲

۱. خطیب بغدادی، ۲۰۰۲ م، ج ۱۱، ص ۸۵؛ ابن‌انباری، ۱۹۸۵ م، ص ۲۱۳ و ۲۱۴؛ ذهبی، ۲۰۰۶ م، ج ۱۲، ص ۱۰۰؛ ذهبی، ۱۹۶۳ م، ج ۲، ص ۴۰۱؛ صفدی، ۲۰۰۰ م، ج ۱۷، ص ۵۷؛ عسقلانی، ۱۹۷۱ م، ج ۳، ص ۲۶۸؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۶.

۲. خطیب بغدادی، ۲۰۰۲ م، ج ۱۱، ص ۸۵؛ ابن‌انباری، ۱۹۸۵ م، ص ۲۱۴؛ ذهبی، ۲۰۰۶ م، ج ۱۲، ص ۱۰۰؛ ذهبی، ۱۹۶۳ م، ج ۲، ص ۴۰۱؛ عسقلانی، ۱۹۷۱ م، ج ۳، ص ۲۶۸.



سپس خطیب می گوید: «از ابوسعید حسنین بن عثمان شیرازی درباره ابن درستویه سؤال کردم و او جواب داد که مورد اعتماد است. همچنین ابوعبیدالله بن منده که در حفظ کردن مورد اعتماد بود، از ابن درستویه برای ما حدیث نقل کرده است و من از او درباره ابن درستویه سؤال کردم و او در جواب او را مدح کرد و توثیقش نمود.»^۱

۵۴-۲. آثار

کتب او: الإرشاد^۲، تفسیر کتاب جرمی^۳، الهجاء^۴، شرح الفصیح^۵، غریب الحدیث^۶، المقصور و الممدود^۷، ردّ علی المفصل فی الردّ علی الخلیل^۸، معانی الشعر^۹، أخبار النحویین^{۱۰}، الهدایة^{۱۱}،

۱. همان؛ صفدی، ۲۰۰۰ م، ج ۱۷، ص ۵۷؛ سیوطی، بی تا، ج ۲، ص ۳۶.
۲. زبیدی، ۱۹۷۳ م، ص ۱۱۶؛ خطیب بغدادی، ۲۰۰۲ م، ج ۱۱، ص ۸۵؛ ابن أنباری، ۱۹۸۵ م، ص ۲۱۳؛ قفطی، ۱۹۸۲ م، ج ۲، ص ۱۱۳؛ ابن خلکان، ۱۹۰۰ م، ج ۳، ص ۴۴ و ۴۵؛ ذهبی، ۲۰۰۶ م، ج ۱۲، ص ۱۰۰؛ صفدی، ۲۰۰۰ م، ج ۱۷، ص ۵۷؛ فیروزآبادی، ۲۰۰۰ م، ص ۱۶۸؛ سیوطی، بی تا، ج ۲، ص ۳۶.
۳. زبیدی، ۱۹۷۳ م، ص ۱۱۶؛ خطیب بغدادی، ۲۰۰۲ م، ج ۱۱، ص ۸۵؛ ابن أنباری، ۱۹۸۵ م، ص ۲۱۳؛ قفطی، ۱۹۸۲ م، ج ۲، ص ۱۱۳؛ ابن خلکان، ۱۹۰۰ م، ج ۳، ص ۴۴ و ۴۵؛ ذهبی، ۲۰۰۶ م، ج ۱۲، ص ۱۰۰؛ صفدی، ۲۰۰۰ م، ج ۱۷، ص ۵۷؛ فیروزآبادی، ۲۰۰۰ م، ص ۱۶۸.
۴. زبیدی، ۱۹۷۳ م، ص ۱۱۶؛ خطیب بغدادی، ۲۰۰۲ م، ج ۱۱، ص ۸۵؛ ابن أنباری، ۱۹۸۵ م، ص ۲۱۳؛ قفطی، ۱۹۸۲ م، ج ۲، ص ۱۱۳؛ ابن خلکان، ۱۹۰۰ م، ج ۳، ص ۴۴ و ۴۵؛ ذهبی، ۲۰۰۶ م، ج ۱۲، ص ۱۰۰؛ صفدی، ۲۰۰۰ م، ج ۱۷، ص ۵۷.
۵. قفطی، ۱۹۸۲ م، ج ۲، ص ۱۱۳؛ ابن خلکان، ۱۹۰۰ م، ج ۳، ص ۴۵؛ ذهبی، ۲۰۰۶ م، ج ۱۲، ص ۱۰۰؛ صفدی، ۲۰۰۰ م، ج ۱۷، ص ۵۷؛ فیروزآبادی، ۲۰۰۰ م، ص ۱۶۸؛ سیوطی، بی تا، ج ۲، ص ۳۶.
۶. قفطی، ۱۹۸۲ م، ج ۲، ص ۱۱۳؛ ابن خلکان، ۱۹۰۰ م، ج ۳، ص ۴۵؛ ذهبی، ۲۰۰۶ م، ج ۱۲، ص ۱۰۰؛ صفدی، ۲۰۰۰ م، ج ۱۷، ص ۵۷؛ سیوطی، بی تا، ج ۲، ص ۳۶.
۷. همان.
۸. قفطی، ۱۹۸۲ م، ج ۲، ص ۱۱۳ و ۱۱۴؛ ابن خلکان، ۱۹۰۰ م، ج ۳، ص ۴۵؛ صفدی، ۲۰۰۰ م، ج ۱۷، ص ۵۷؛ سیوطی، بی تا، ج ۲، ص ۳۶.
۹. همان.
۱۰. همان.
۱۱. قفطی، ۱۹۸۲ م، ج ۲، ص ۱۱۳ و ۱۱۴؛ ابن خلکان، ۱۹۰۰ م، ج ۳، ص ۴۵؛ صفدی، ۲۰۰۰ م، ج ۱۷، ص ۵۷؛ فیروزآبادی، ۲۰۰۰ م، ص ۱۶۸.



خبر قس بن ساعدة و تفسیره^۱، الحی و المیت، (قفطی، ۱۹۸۲ م، ج ۲، ص ۱۱۳ و ۱۱۴؛ ابن خلکان، ۱۹۰۰ م، ج ۳، ص ۴۵؛ صفدی، ۲۰۰۰ م، ج ۱۷، ص ۵۷) التوسط بین الأخفش و ثعلب فی تفسیر القرآن، (همان) الردّ علی الفراء فی المعانی، (همان) نقض الراوندی علی النحویین، (قفطی، ۱۹۸۲ م، ج ۲، ص ۱۱۴؛ فیروزآبادی، ۲۰۰۰ م، ص ۱۶۸) الانتصار لکتاب العین، (همان) الأضداد، (قفطی، ۱۹۸۲ م، ج ۲، ص ۱۱۴؛ صفدی، ۲۰۰۰ م، ج ۱۷، ص ۵۷) ادب الکاتب، (ذهبی، ۲۰۰۶ م، ج ۱۲، ص ۱۰۰) المذکر و المؤث، (همان) المعانی فی القرائات، (همان) الأعداد (ابن خلکان، ۱۹۰۰ م، ج ۳، ص ۴۵) و أسرار النحو (فیروزآبادی، ۲۰۰۰ م، ص ۱۶۸).

قفطی علاوه بر کتب نام‌برده، کتب دیگری نیز برای ابن درستویه ذکر می‌کند که عبارت‌اند از: الردّ علی بزرگ العروسی، الردّ علی ثعلب فی اختلاف النحویین، الردّ علی ابن خالویه فی الكلّ و البعض، الردّ علی ابن مقسم فی اختیاره، الردّ علی ابی زید البلخی فی النحو، الردّ علی من قال بالزوائد و قال یكون فی الکلام حرف زائد، تفسیر قصیده شبیل بن عزرة، رسالة إلى نجیح الطولونی فی تفضیل العربية، الکلام علی ابن قتیبه فی تصحیف العلماء، الإحتجاج للفراء و جوامع العروض. (قفطی، ۱۹۸۲ م، ج ۲، ص ۱۱۴)

همچنین قفطی در ذیل برخی از کتب او عبارت (آن را تمام نکرد.) را می‌آورد که آن کتب عبارت‌اند از: شرح المفصلیات، شرح المقتضب، شرح الکلام و نکته، تفسیر الشی، تفسیر السبع الطوال، المعانی فی القرآن، النصرة لسیبویه علی جماعة النحویین و الأزمنة. (همان)

۶-۴-۲. وفات

سرانجام ابن درستویه در سال سیصد و چهل و هفت هجری قمری^۲ و در هشتاد و نه سالگی (ذهبی، ۱۹۸۵ م، ج ۲، ص ۷۶) درگذشت.

۱. همان.

۲. زبیدی، ۱۹۷۳ م، ص ۱۱۶؛ خطیب بغدادی، ۲۰۰۲ م، ج ۱۱، ص ۸۵؛ ابن‌انباری، ۱۹۸۵ م، ص ۲۱۴؛ ابن‌جوزی، ۱۹۹۲ م، ج ۱۴، ص ۱۱۵؛ حموی، ۱۹۹۳ م، ج ۴، ص ۱۵۱۱؛ قفطی، ۱۹۸۲ م، ج ۲، ص ۱۱۴؛ ابن‌خلکان، ۱۹۰۰ م، ج ۳، ص ۴۴؛ ذهبی، ۲۰۰۶ م، ج ۱۲، ص ۱۰۰؛ ذهبی، ۱۹۸۵ م، ج ۲، ص ۷۶؛ صفدی، ۲۰۰۰ م، ج ۱۷، ص ۵۷؛ ابن‌کثیر، ۱۹۸۸ م، ج ۱۱، ص ۲۳۳؛ فیروزآبادی، ۲۰۰۰ م، ص ۱۶۸؛ عسقلانی، ۱۹۷۱ م، ج ۳، ص ۲۶۸؛ ابن‌تغری، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۲۱؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۶.



۵.۲. زجاجی

۱.۵.۲. معرفی اجمالی

ابوالقاسم عبدالرحمن بن اسحاق نهاوندی مشهور به زجاجی اهل بغداد بود^۱ و مدتی در حلب (همان، ص ۶۰؛ قفطی، ۱۹۸۲، ج ۲، ص ۱۶۰؛ صفدی، ۲۰۰۰، ج ۱۸، ص ۶۷) و سپس در دمشق^۲ ساکن شد. او اصالتاً اهل صیمر (قفطی، ۱۹۸۲، ج ۲، ص ۱۶۰؛ صفدی، ۲۰۰۰، ج ۱۸، ص ۶۷؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۲، ص ۷۷) یا نهاوند (ابن خلکان، ۱۹۰۰، ج ۳، ص ۱۳۶) بود. او از پیشوایان نحو (همان؛ ابن‌انباری، ۱۹۸۵، ص ۲۲۷) و شخصی باوقار و خوش‌سیما بود. (ذهبی، ۲۰۰۶، ج ۱۲، ص ۶۸؛ فیروزآبادی، ۲۰۰۰، ص ۱۸۱)

۲.۵.۲. اساتید

زجاجی شاگرد زجاج^۳ بود و به دلیل همراهی‌اش با زجاج به زجاجی^۴ مشهور شد. از دیگر اساتید او می‌توان به ابن‌درید^۵، أخفش صغیر^۶، ابوبکر بن أنباری^۷، محمد بن عباس

۱. سمعانی، ۱۹۶۲، ج ۶، ص ۲۷۲؛ ابن‌خلکان، ۱۹۰۰، ج ۳، ص ۱۳۶؛ ذهبی، ۲۰۰۶، ج ۱۲، ص ۶۸؛ ذهبی، ۱۹۸۵، ج ۲، ص ۶۰؛ صفدی، ۲۰۰۰، ج ۱۸، ص ۶۷؛ ابن‌کثیر، ۱۹۸۸، ج ۱۱، ص ۲۲۵؛ ابن‌تغری، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۰۲ و ۳۰۳؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۲، ص ۷۷.

۲. سمعانی، ۱۹۶۲، ج ۶، ص ۲۷۲؛ قفطی، ۱۹۸۲، ج ۲، ص ۱۶۰؛ ذهبی، ۲۰۰۶، ج ۱۲، ص ۶۸؛ ذهبی، ۱۹۸۵، ج ۲، ص ۶۰؛ صفدی، ۲۰۰۰، ج ۱۸، ص ۶۷؛ یافعی، ۱۹۹۷، ج ۲، ص ۲۴۹؛ ابن‌کثیر، ۱۹۸۸، ج ۱۱، ص ۲۲۵؛ ابن‌تغری، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۰۳؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۲، ص ۷۷.

۳. زبیدی، ۱۹۷۳، ص ۱۱۹؛ سمعانی، ۱۹۶۲، ج ۶، ص ۲۷۲؛ ابن‌انباری، ۱۹۸۵، ص ۲۲۷؛ قفطی، ۱۹۸۲، ج ۲، ص ۱۶۰؛ ابن‌خلکان، ۱۹۰۰، ج ۳، ص ۱۳۶؛ ذهبی، ۲۰۰۶، ج ۱۲، ص ۶۸؛ ذهبی، ۱۹۸۵، ج ۲، ص ۶۰؛ صفدی، ۲۰۰۰، ج ۱۸، ص ۶۷؛ یافعی، ۱۹۹۷، ج ۲، ص ۲۴۹؛ فیروزآبادی، ۲۰۰۰، ص ۱۸۰؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۲، ص ۷۷.

۴. زبیدی، ۱۹۷۳، ص ۱۱۹؛ سمعانی، ۱۹۶۲، ج ۶، ص ۲۷۲؛ ابن‌خلکان، ۱۹۰۰، ج ۳، ص ۱۳۶؛ ذهبی، ۲۰۰۶، ج ۱۲، ص ۶۸؛ ذهبی، ۱۹۸۵، ج ۲، ص ۶۰؛ صفدی، ۲۰۰۰، ج ۱۸، ص ۶۷؛ یافعی، ۱۹۹۷، ج ۲، ص ۲۴۹؛ فیروزآبادی، ۲۰۰۰، ص ۱۸۰؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۲، ص ۷۷.

۵. سمعانی، ۱۹۶۲، ج ۶، ص ۲۷۲؛ ابن‌خلکان، ۱۹۰۰، ج ۳، ص ۱۳۶؛ ذهبی، ۲۰۰۶، ج ۱۲، ص ۶۸؛ ذهبی، ۱۹۸۵، ج ۲، ص ۶۰؛ صفدی، ۲۰۰۰، ج ۱۸، ص ۶۷؛ یافعی، ۱۹۹۷، ج ۲، ص ۲۴۹؛ ابن‌کثیر، ۱۹۸۸، ج ۱۱، ص ۲۲۵؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۲، ص ۷۷.

۶. سمعانی، ۱۹۶۲، ج ۶، ص ۲۷۲؛ ابن‌انباری، ۱۹۸۵، ص ۲۲۷؛ ذهبی، ۲۰۰۶، ج ۱۲، ص ۶۸؛ ذهبی، ۱۹۸۵، ج ۲، ص ۶۰؛ صفدی، ۲۰۰۰، ج ۱۸، ص ۶۷؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۲، ص ۷۷.

۷. سمعانی، ۱۹۶۲، ج ۶، ص ۲۷۲؛ ابن‌خلکان، ۱۹۰۰، ج ۳، ص ۱۳۶؛ یافعی، ۱۹۹۷، ج ۲، ص ۲۴۹؛ ابن‌کثیر،



یزیدی^۱، ابن سراج، (ابن أنباری، ۱۹۸۵ م، ص ۲۲۷؛ ذهبی، ۲۰۰۶ م، ج ۱۲، ص ۶۸) ابوجعفر بن رستم طبری (غلام مازنی)، (ذهبی، ۲۰۰۶ م، ج ۱۲، ص ۶۸) ابن کیسان و ابوموسی حامض اشاره کرد. (فیروزآبادی، ۲۰۰۰ م، ص ۱۸۰)

۳-۵-۲. شاگردان

احمد بن محمد بن سلامه، (ذهبی، ۲۰۰۶ م، ج ۱۲، ص ۶۸؛ سیوطی، بی تا، ج ۲، ص ۷۷) ابومحمد بن ابی نصر، (همان) احمد بن علی حبال، عبدالرحمن بن عمر بن نصر و حسن بن علی سقلی از شاگردان او بودند. (سمعانی، ۱۹۶۲ م، ج ۶، ص ۲۷۲)

۴-۵-۲. نظرات درباره زجاجی

زجاجی با ابوسعید سیرافی و ابوعلی فارسی هم طبقه بود، هرچند که ابوعلی فارسی می گفت: اگر زجاجی سخنان نحوی ما را می شنید، از اینکه در علم نحو سخنی بگوید حیا می کرد. (ابن أنباری، ۱۹۸۵ م، ص ۲۲۷؛ قفطی، ۱۹۸۲ م، ج ۲، ص ۱۶۰)

۵-۵-۲. آثار

مشهورترین کتاب او الجمل می باشد.^۲ زجاجی این کتاب را در مکه نوشت و مردم بی شماری از این کتاب استفاده کردند. او هر باب را که می نوشت، هفت دور طواف می کرد و از خداوند می خواست که او را بیمارزد و این کتاب را برای خواننده آن سودمند قرار دهد.^۳ قفطی به نقل از شیخ ابوالبقاء صالح بن عادی عذری أنماطی می گوید: به همین دلیل این کتاب برای طالبان علم مفید بود. کتاب

۱۹۸۸ م، ج ۱۱، ص ۲۲۵؛ سیوطی، بی تا، ج ۲، ص ۷۷.

۱. سماعی، ۱۹۶۲ م، ج ۶، ص ۲۷۲؛ ابن خلکان، ۱۹۰۰ م، ج ۳، ص ۱۳۶؛ صفدی، ۲۰۰۰ م، ج ۱۸، ص ۶۷؛ یافعی،

۱۹۹۷ م، ج ۲، ص ۲۴۹؛ ابن کثیر، ۱۹۸۸ م، ج ۱۱، ص ۲۲۵.

۲. ابن أنباری، ۱۹۸۵ م، ص ۲۲۷؛ قفطی، ۱۹۸۲ م، ج ۲، ص ۱۶۰؛ ابن خلکان، ۱۹۰۰ م، ج ۳، ص ۱۳۶؛ ذهبی، ۲۰۰۶ م، ج ۱۲، ص ۶۸؛ ذهبی، ۱۹۸۵ م، ج ۲، ص ۶۰؛ صفدی، ۲۰۰۰ م، ج ۱۸، ص ۶۷؛ یافعی، ۱۹۹۷ م، ج ۲، ص ۲۴۹؛ ابن کثیر، ۱۹۸۸ م، ج ۱۱، ص ۲۲۵؛ فیروزآبادی، ۲۰۰۰ م، ص ۱۸۰؛ سیوطی، بی تا، ج ۲، ص ۷۷.

۳. قفطی، ۱۹۸۲ م، ج ۲، ص ۱۶۱؛ ابن خلکان، ۱۹۰۰ م، ج ۳، ص ۱۳۶؛ ذهبی، ۱۹۸۵ م، ج ۲، ص ۶۰؛ صفدی، ۲۰۰۰ م، ج ۱۸، ص ۶۷؛ یافعی، ۱۹۹۷ م، ج ۲، ص ۲۴۹؛ ابن کثیر، ۱۹۸۸ م، ج ۱۱، ص ۲۲۵؛ سیوطی، بی تا، ج ۲، ص ۷۷.



الجمال مورد استفاده اهل مصر، مغرب، حجاز، یمن و شام بود، تا زمانی که مردم به کتاب اللمع ابن جنی و الإيضاح ابوعلی فارسی پرداختند. (قفطی، ۱۹۸۲ م، ج ۲، ص ۱۶۱) همچنین گفته شده است که زجاجی مسئله‌ای را در کتاب الجمال حل نمی‌کرد، مگر آنکه با وضو بود و به همین دلیل است که این کتاب با پرکت شد. (ذهبی، ۲۰۰۶ م، ج ۱۲، ص ۶۸؛ فیروزآبادی، ۲۰۰۰ م، ص ۱۸۱)

از دیگر کتب او می‌توان به شرح خطبة أدب الکتاب^۱، المخترع فی القوافی، (ابن‌ندیم، ۱۹۹۷ م، ص ۱۰۷؛ صفدی، ۲۰۰۰ م، ج ۱۸، ص ۶۷؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۲، ص ۷۷) الإيضاح، (ابن‌أنباری، ۱۹۸۵ م، ص ۲۲۷؛ صفدی، ۲۰۰۰ م، ج ۱۸، ص ۶۷؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۲، ص ۷۷) اللامات (صفدی، ۲۰۰۰ م، ج ۱۸، ص ۶۷؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۲، ص ۷۷) و أمالی (سیوطی، بی‌تا، ج ۲، ص ۷۷) اشاره کرد. (ذهبی، ۲۰۰۶ م، ج ۱۲، ص ۶۸)

۶-۵-۲. وفات

سرانجام زجاجی در سال سیصد و سی و هفت (زبیدی، ۱۹۷۳ م، ص ۱۱۹؛ ابن‌خلکان، ۱۹۰۰ م، ج ۳، ص ۱۳۶؛ ابن‌کثیر، ۱۹۸۸ م، ج ۱۱، ص ۲۲۵) یا سیصد و چهل^۲ و یا سیصد و سی و نه^۳ هجری قمری و در دمشق^۴ یا طبریه^۵ درگذشت.

۱. ابن‌أنباری، ۱۹۸۵ م، ص ۲۲۷؛ قفطی، ۱۹۸۲ م، ج ۲، ص ۱۶۰؛ صفدی، ۲۰۰۰ م، ج ۱۸، ص ۶۷؛ فیروزآبادی، ۲۰۰۰ م، ص ۱۸۰ و ۱۸۱؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۲، ص ۷۷.

۲. قفطی، ۱۹۸۲ م، ج ۲، ص ۱۶۰؛ ابن‌خلکان، ۱۹۰۰ م، ج ۳، ص ۱۳۶؛ ذهبی، ۲۰۰۶ م، ج ۱۲، ص ۶۸؛ ذهبی، ۱۹۸۵ م، ج ۲، ص ۶۰؛ صفدی، ۲۰۰۰ م، ج ۱۸، ص ۶۷؛ یافعی، ۱۹۹۷ م، ج ۲، ص ۲۴۹؛ ابن‌کثیر، ۱۹۸۸ م، ج ۱۱، ص ۲۲۵؛ فیروزآبادی، ۲۰۰۰ م، ص ۱۸۱؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۲، ص ۷۷.

۳. ابن‌خلکان، ۱۹۰۰ م، ج ۳، ص ۱۳۶؛ یافعی، ۱۹۹۷ م، ج ۲، ص ۲۴۹؛ ابن‌کثیر، ۱۹۸۸ م، ج ۱۱، ص ۲۲۵؛ ابن‌تغری، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۰۲؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۲، ص ۷۷.

۴. زبیدی، ۱۹۷۳ م، ص ۱۱۹؛ ابن‌خلکان، ۱۹۰۰ م، ج ۳، ص ۱۳۶؛ یافعی، ۱۹۹۷ م، ج ۲، ص ۲۵۰؛ ابن‌کثیر، ۱۹۸۸ م، ج ۱۱، ص ۲۲۵.

۵. قفطی، ۱۹۸۲ م، ج ۲، ص ۱۶۰؛ ابن‌خلکان، ۱۹۰۰ م، ج ۳، ص ۱۳۶؛ ذهبی، ۲۰۰۶ م، ج ۱۲، ص ۶۸؛ ذهبی، ۱۹۸۵ م، ج ۲، ص ۶۰؛ یافعی، ۱۹۹۷ م، ج ۲، ص ۲۴۹؛ ابن‌کثیر، ۱۹۸۸ م، ج ۱۱، ص ۲۲۵؛ فیروزآبادی، ۲۰۰۰ م، ص ۱۸۱؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۲، ص ۷۷.

۳. نتیجه

از گزاره‌های تاریخی این مقاله دانسته شد که هر پنج نحوی نام‌برده‌شده در آن (ابن کیسان، ابن سراج، مبرمان، ابن درستویه و زجاجی) حضور چشم‌گیری در مکتب نحوی بغداد داشته و با دو امر تألیف (یا املاء) کتاب و تربیت شاگردان بارز در رشد این مکتب نحوی و به‌طورکلی علم نحو نقش تأثیرگذاری ایفا نموده‌اند. از طرفی ثبت نظرات نحوی آنان در تاریخ باعث شد تا علمای علم نحو پس از آنان، از نظراتشان بهره‌مند گشته و از آن‌ها استفاده کنند. پس به عبارت دیگر، آراء این نحویون، در نظرات نحویون پس از خود تأثیرگذار بوده است.





فهرست منابع

۱. ابن أنباری، ابوالبركات كمال الدين عبدالرحمن بن محمد بن عبيدالله انصارى، محقق: ابراهيم سامرائى (۱۴۰۵ ق - ۱۹۸۵ م). *نزهة الألباء في طبقات الأدباء* (چاپ سوم). زرقاء: انتشارات مكتبة المنار.
۲. ابن تغرى، ابوالمحاسن جمال الدين يوسف بن تغرى بردى اتابكى (بى تا). *النجوم الزاهرة فى ملوك مصر و القاهرة* (بى چا). قاهره: انتشارات دارالكتب المصرية.
۳. ابن جوزى، ابوالفرج جمال الدين عبدالرحمن بن على بن محمد، محققين: محمد عبدالقادر عطا؛ مصطفى عبدالقادر عطا (۱۴۱۲ ق - ۱۹۹۲ م). *المنتظم فى تاريخ الأمم والملوك* (چاپ اول). بيروت: انتشارات دارالكتب العلمية.
۴. ابن خلكان، ابوالعباس شمس الدين احمد بن محمد بن ابراهيم بن ابى بكر ابن خلكان، محقق: احسان عباس (جلدهاى اول، دوم، سوم و ششم: ۱۹۰۰ م، جلد چهارم: ۱۹۷۱ م، جلدهاى پنجم و هفتم: ۱۹۹۴ م). *وفيات الأعيان وأنباء أبناء الزمان* (جلدهاى اول، دوم، سوم و ششم: چاپ صفرم، جلدهاى چهارم، پنجم و هفتم: چاپ اول). بيروت: انتشارات دارالثقافة.
۵. ابن كثير، ابوالفداء اسماعيل بن عمر بن كثير دمشقى، محقق: على شيرى (۱۴۰۸ ق - ۱۹۸۸ م). *البدایة و النهایة* (چاپ اول). بيروت: انتشارات دار إحياء التراث العربى.
۶. ابن نديم، ابوالفرج محمد بن اسحاق بن محمد، محقق: ابراهيم رمضان (۱۴۱۷ ق - ۱۹۹۷ م). *الفهرست* (چاپ دوم). بيروت: انتشارات دارالمعرفة.
۷. بورگل، محمد مهدى (۱۳۵۳)، «ابن درستويه یک چهره درخشان ایرانى در نحو عربى بغداد شهرى كه پیا مى خیزد»، *فصلنامه فقه و اصول*، ش ۲، ص ۱۱۶-۱۰۲.
۸. حموى، ابو عبد الله شهاب الدين ياقوت بن عبد الله رومى، محقق: احسان عباس (۱۴۱۴ ق - ۱۹۹۳ م). *معجم الأدباء* (چاپ اول). بيروت: انتشارات دارالغرب الإسلامى.
۹. خطيب بغدادى، ابوبكر احمد بن على بن ثابت بن احمد بن مهدى، محقق: دكتور بشار عواد معروف (۱۴۲۲ ق - ۲۰۰۲ م). *تاريخ بغداد* (چاپ اول). بيروت: انتشارات دارالغرب الإسلامى.
۱۰. ذهبى، ابو عبد الله شمس الدين محمد بن احمد بن عثمان بن قائم از (۱۴۲۷ ق - ۲۰۰۶ م). *سير أعلام النبلاء* (بى چا). قاهره: انتشارات دارالحديث.
۱۱. _____، محقق: ابو هاجر محمد السعيد بن بسيونى زغلول (۱۴۰۵ ق - ۱۹۸۵ م). *العبر في خبر من غبر* (چاپ اول). بيروت: انتشارات دارالكتب العلمية.
۱۲. _____، محقق: على محمد البجاوى (۱۳۸۲ ق - ۱۹۶۳ م). *ميزان الاعتدال فى نقد الرجال* (چاپ اول). بيروت: انتشارات دارالمعرفة.

۱۳. زبیدی، ابوبکر محمد بن حسن بن عبدالله بن مذحج، محقق: محمد ابوالفضل ابراهیم (۱۹۷۳ م). *طبقات النحویین و اللغویین* (چاپ دوم). قاهره: انتشارات دارالمعارف.
۱۴. سمعانی، ابوسعید عبدالکریم بن محمد بن منصور تمیمی مروزی، محقق: عبدالرحمن بن یحیی المعلمی الیمانی و دیگران (۱۳۸۲ ق - ۱۹۶۲ م). *الأنساب* (چاپ اول). حیدرآباد: انتشارات دائرة المعارف العثمانیة.
۱۵. سیرافی، ابوسعید حسن بن عبدالله بن مرزبان، محققین: طه محمد الزینی؛ محمد عبدالمنعم خفاجی (مدرسین الأزهر الشریف) (۱۳۷۳ ق - ۱۹۶۶ م). *أخبار النحویین البصریین* (بی‌جا). قاهره: انتشارات مصطفی البابی الحلبي و أولاده.
۱۶. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن بن ابی‌بکر، محقق: محمد ابوالفضل ابراهیم (بی‌تا). *بغیة الوعاة فی طبقات اللغویین والنحاة* (بی‌جا). صیدا: انتشارات المكتبة العصرية.
۱۷. صفدی، صلاح‌الدین خلیل بن أبیک بن عبدالله، محقق: احمد الأرناؤوط و ترکی مصطفی (۱۴۲۰ ق - ۲۰۰۰ م). *الوافی بالوفیات* (بی‌جا). بیروت: انتشارات دار إحياء التراث العربی.
۱۸. عسقلانی، ابوالفضل احمد بن علی بن محمد بن احمد بن حجر، محقق: *دائرة المعارف النظامیة* (۱۳۹۰ ق - ۱۹۷۱ م). لسان المیزان (چاپ دوم). بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۱۹. فیروزآبادی، ابوطاهر مجدالدین محمد بن یعقوب (۱۴۲۱ ق - ۲۰۰۰ م). *البلغة فی تراجم أئمة النحو واللغة* (چاپ اول). دمشق: انتشارات دار سعدالدین للطباعة والنشر و التوزیع.
۲۰. قفطی، ابوالحسن جمال‌الدین علی بن یوسف، محقق: محمد ابوالفضل ابراهیم (۱۴۰۶ ق - ۱۹۸۲ م). *إنباه الرواة علی أنباه النحاة* (چاپ اول). قاهره: انتشارات دارالفکر العربی.
۲۱. مهتدی، حسین (۱۳۹۴)، «جایگاه ایرانیان در مکاتب نحوی عراق»، مجموعه مقالات اولین همایش بین‌المللی میراث مشترک ایران و عراق، ش ۱۳، ص ۱۹۰-۱۷۵.
۲۲. یافعی، ابومحمد عقیف‌الدین عبدالله بن اسعد بن علی بن سلیمان، محقق: خلیل المنصور (۱۴۱۷ ق - ۱۹۹۷ م). *مرآة الجنان وعبرة الیقظان فی معرفة ما یعتبر من حوادث الزمان* (چاپ اول). بیروت: انتشارات دارالکتب العلمیة.
۲۳. یغموری، ابوالمحاسن یوسف بن احمد بن محمود (بی‌تا). *نور القبس* (بی‌جا). بی‌جا: بی‌نا.